

هزارتوی تکراری در «هزارپا»



میلاد جلیل‌زاده روزنامه‌نگار

«هزار پا» یک جمع‌بندی کاملاً حساب‌شده و به اصطلاح خوش‌ساخت، از بین تمام فاکتورهای جواب‌داده سینمای ایران طی سال‌های اخیر است. این یعنی فیلمی که هیچ چیز جدیدی ندارد اما کلیشه‌ها را با اصولی‌ترین روش و به استانداردترین شکل ممکن کنار هم چیده است. شاید برای ایراد گرفتن از این فیلم، سختگیری زیادی لازم باشد؛ اما از طرفی تحسین خلاقیت‌های به کار رفته در آن هم مهربانی بیش از اندازه می‌خواهد. این فیلم، یکپیچ کاملی از تمام آن چیزهایی است که در فیلمسازی و سریال‌سازی طنز ایران طی سال‌های اخیر موفق‌ظاهر شده‌اند؛ یک داستانی که در دههٔ ۶۰ می‌گذرد و شخصیت رند و البته خوش‌قلب رضا عطاران در کانون آن قرار دارد(نهنگ‌عنبر)، به‌اضافه جواد عزتی به‌عنوان بهترین نقش مکمل مرد سینمای ایران طی سال‌های اخیر، باهمان شخصیت عصبی‌اش که مرتب تذکرات عاقلانه‌والبته‌بانمکی به شخصیت اصلی می‌دهد.(اکسیدان ...)و

اینکه نقش مکمل داستان از نقش اصلی با هوش‌تر و با عقل‌تر باشد، از ترکیب مهران مدیری (اصلی) و سیامک انصاری(مکمل) در کارهای مختلفی که طی این سال‌ها انجام داده‌اند آمده و اینکه یک مرد لالایی به‌خاطر عشق یک زن، وارد فاز آرمان‌گرایی و حتی جبهه و جنگ بشود، از فیلم «اخراجی‌ها» گرفته‌شده است. روایت شدن یک داستان شهری در فضای دههٔ ۶۰ هم از طیف فیلم‌هایی که با اخراجی‌ها شروع می‌شود و به‌نهنگ‌عنبر می‌رسد، یک‌چکیده به‌دست‌آورده و عطاران و جواد عزتی در این فیلم موفق‌ترین قالب‌های امتحان‌پس‌داده خودشان در فیلم‌های دیگر را تکرار کرده‌اند. حتی این ترفند که پایان داستانی کم‌نی به یک درگیری جدی و اکشن و صحنه‌های تیراندازی و انفجار برسد، از «خوب، بد، جلف» وام‌گرفته و در نهایت باید گفت؛ ماجرای ازدواج پسری فقیر با دختری پولدار که از طریق صحنه‌سازی و نمایش‌های طراحی‌شده توسط پسر فقیر به سرانجام می‌رسد، خیلی واضح یادآور فیلمفارسی و نمونه‌های متاخر آن در سال‌های پس از انقلاب است.

با این حساب اگر قرار به بررسی زیرساخت‌ها و لایه‌های درونی‌تر «هزار پا» باشد، بیشتر لازم است که فیلم‌های دیگر مورد بررسی قرار بگیرند تا خود آن. اینکه چرا قصه گویی در فضای دههٔ ۶۰ تا این حد پیرای می‌دهد ۹۰، حتی آنهایی که در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ به دنیا آمده‌اند، جذاب است، اینکه شخصیت رضا عطاران در واکنش به چه نوع اخلاق اجتماعی و فرهنگی به‌خصوصی در روزگار ما، تا این حد مورد استقبال قرار می‌گیرد، اینکه چرا باهوش‌تر بودن نقش‌های مکمل نسبت به شخصیت‌های نقش اول، بر خلاف مدل رایج هلمز-واتسن تا این اندازه برای مردم ما شیرین است و پرسش‌های دیگری از این قبیل را باید در تحلیل فیلم‌های دیگری پی گرفت که «هزارپا» این فاکتورهای موفق را بدون تأثیر از خاستگاه خارقانه آنها کنده و به‌خودش چسبانده است. شاید مردم ما به دهه ۶۰ علاقه دارند چون بسیاری از اتفاقات(از جمله جنگ) باعث شده بود که جامعه به اوج همدلی برسد و در زندگی مدرن امروز، حال و هوای آن روزگار بسیار شکنج‌برانگیز است. شاید شخصیت رند عطاران به دلیل واکنش ناخودآگاه مردم به هنجار لاکچری و پر زرق و برق امروز تا این حد محبوب شده و قرار گرفتن این‌دوم در فضای دههٔ ۶۰ تا حدودی توانسته نمایش‌دهنده زیست آدم‌های معمولی آن دوران، یعنی آن کسانی باشد که در سایه قهرمان‌های بزرگ دههٔ ۶۰ و دلاوران عرصه‌های آرمانی، چندان به چشم نمی‌آمدند. اینکه مردم نقش مکمل‌های باهوش‌تر از نقش‌های اصلی را این قدر می‌پسندند، شاید ریشه در این داشته باشد که مدبران‌شان را نسبت به مشاوران آنها دارای استحقاق کمتری برای آن مناصب می‌دانند و اما تمام این مسائل، وقتی گلچین می‌شوند و در ظرف «هزارپا» می‌ریزند، که از ریشه‌هایشان جدا می‌افتند و در سطح می‌مانند. اصولاً یک آدم آرمان‌گرا در این فیلم به چشم نمی‌خورد، آن هم در حالی که بخش قابل توجهی از فیلم در آسایشگاه جانبازان می‌گذرد. این در حالی است که عطاران در «نهنگ‌عنبر ۲» به‌شدت از ترامپ و رفتارهای غیراخلاقی او متنفر است و حتی حاضر نیست برای درمان به آمریکا برود(یا در سکانس حذف‌شده‌ای ازسری اول همین فیلم، یک اسیر عراقی را به دلیل توهین به یکی از خوانندگان زن ایرانی در زمان شاه، به گلوله می‌بست). در «هزارپا» حتی اعضای سازمان مجاهدین خلق هم بیشتر از اینکه خبیث باشند، لوده به نظر می‌رسند و این البته برآمده از تمسخر منافقین توسط سازندگان فیلم نیست، بلکه از جدی گرفته نشدن تمام موضوعات دنیا توسط آنها برآمده است. اینجا به همه چیز برای سرگرمی نگاه شده؛ آرایش غلیظ سرتیم منافقین که ستاره اسکندری نقش آن را بازی می‌کند، کاملاً می‌تواند در جایگاه نمادی از استراتژی کلی فیلم قرار بگیرد؛ اینکه زن‌های عضو سازمان منافقین سر و وضعی این چنینی ندارند مهم نیست، اینکه مخاطب عام ممکن است از این سرنو و وضع بیشتر خوشش بیاید مهم است. اینکه جانبازان جنگ، آن هم در خود دههٔ ۶۰، فضای روابط‌شان طور دیگری بود و به بهر بهانه‌ای شروع به دست‌زدن و رقصیدن نمی‌کردند مهم نیست، اینکه یک فیلم کم‌دی به فضاهای بزن و بکوب و پر از رقص احتیاج دارد مهم است و ... «هزارپا» به دلیل همین نکته که در هیچ رابطه‌ای هیچ موضوعی ندارد و جز خنداندن و سرگرم کردن مخاطب، هدف دیگری نداشته، فیلمی نیست که در خاطره کسی باقی بماند. اکثر مخاطبان موقع خروج از سالن راضی هستند؛ اما یک ماه بعد تمام ماجرای فیلم را فراموش می‌کنند و شاید یکی، دو سال بعد حتی نام آن را از یاد ببرند. در «هزارپا» به هیچ‌کس توهین نشده، چون این فیلم خودش را هم جدی نگرفته چه رسد به بقیه و احتمالاً حتی مجاهدین خلق هم انگیزه‌ای برای شاکي بودن از آن ندارند. حتی مخاطب عام هم از چند سوتی دم‌دستی و چند بار ساده گرفته‌شدن مسائل، مثل پرتاب یک بمب ساعتی توسط رضا عطاران به آن ارتفاع بلند که به‌قاعده علمی هم ممکن نیست یا صحنه بی‌سر و ته تیراندازی در انتهای فیلم که آرایش نظامی هیچ کدام از طرفین درگیر در آن مشخص نبود و کل صحنه با صداگذاری سرهم شد و چند رشته نخ‌رها شد بافت فیلم مثل مسئول نظافت آسایشگاه، سازنده مشروبات الکلی و... به راحتی عبور می‌کند و گیر نمی‌دهد چون این فیلم جز چند متلک بی‌منظور و مخض‌خنده به‌چند موضوع، از مجاهدین خلق گرفته تا جانبازان جنگ، چیز دیگری نیست و جز خنده‌هایی که تمام‌می‌شوند و فراموش نمی‌خواست درگیری دیگری در ذهن مخاطبش ایجاد کند.

یادداشت، اخبار و گزارش‌هایی از تازه‌های فرهنگ و هنر



زهرا جعفری روزنامه‌نگار

قطعه‌ای که برای روز دختر خوانده‌بسیار مورد استقبال قرار گرفت و در فضای مجازی آهنگش دست‌به‌دست چرخید. محسن توسلی خواننده جوانی است که سال‌ها کارش را در عرصه موسیقی آغاز کرده‌و نکته‌مهمی که در مورد کارهایش وجود دارد اینکه آثارش کلیشه نیست و همیشه دغدغه‌ای پشت هر آهنگش هست که به‌بهانه‌همان دغدغه و هدف، کارش تأثیرگذار می‌شود. حالا این خواننده جوان حدود دو سالی است که در عرصه اجتماعی فعالیت پررنگ‌تری دارد و از خانواده و موضوعاتی مثل طلاق می‌خواند. به بهانه کارهای اجتماعی و تأثیرگذاری این آثار به‌سراغ توسلی رفتیم تا برایمان از دغدغه این روزهایش بگویید.

+++

در عرصه خوانندگی کارتان را از چه سالی شروع کردید؟

سابقه ورود من به عرصه خوانندگی از دوران مدرسه شروع شد و در گروه‌های موسیقی و سرود مدرسه می‌خواندم و مقام‌های زیادی هم کسب کردم اما به شکل تخصصی، خوانندگی را از سال ۸۰ زیر نظر استاد حمید پناهی که از اساتید بنام این حوزه است، شروع کردم، چند سالی خدمت ایشان دوره‌های صداسازی، نت خوانی و آوازخوانی را گذراندم و بعد از تمام شدن دوره‌ها چون دغدغه زیادی داشتم، عاشقانه‌ای نخواندم، برای همین کاری تولید نکردم تا سال ۱۳۹۰ که حس کردم در برخی حوزه‌ها، جای کار دارم و فضا خالی است و با دغدغه‌ای که داشتم، دوست داشتم در آن فضا کاری ارائه بدهم. بنابراین شروع کردم و چند کار در حوزه دفاع مقدس و شهدای گمنام تولید کردم و همان کارهای اولیه من تیتراژ چند برنامه تلویزیونی شد.

اولین قطعه‌ام «خاکریز اول» نام داشت که تیتراژ برنامه‌ای به همین نام شد. دومین کارم تیتراژ برنامه «صبحی دیگر» برای ایام محرم بود و بعد از آن هم تا به امروز حدود ۵۰ قطعه موسیقی در حوزه ملی و انقلابی تولید کردم. کارهای شاخص زیادی هم در این قطعات وجود دارد. کار مشترکی با علیرضا افتخاری و خشایار اعتمادی داشتم که پروسه انقلاب اسلامی را در چهار دهه روایت کردیم. یا کارهای بین‌المللی و چندزبانه که با کشورهای دیگر تولید کردیم. به‌طورمثال مضامین نامه‌مقام‌معظم‌رهبری به جوانان اروپا را به صورت یک قطعه کاملاً انگلیسی، در آوردم و با سبکی که موردپسند غربی‌ها باشند آن را تولید کردیم. چون حس می‌کردیم این نامه می‌تواند است با سانسور مواجه شود ولی یک اثر هنری می‌تواند پیام این نامه را به جمع جوان‌ها ببرد. بعد از آن یک کار برای هفته وحدت تولید کردم و با همکاری رابرتی ایران و سوریه هماهنگی‌ای انجام دادیم که همراه یک خواننده اهل سوریه کاری را برای هفته وحدت داشته باشیم چرا که اساسا در این حوزه اثر موسیقایی کم تولید شده است. حس کردم اگر این اتفاق بیفتد و یک خواننده شیعه و یک خواننده سنی برای یک هدف مشترک در کنار هم بخوانند اثرگذاری زیادی دارد. اس‌تارت این کار زده شد. هم در صداوسیما خودمان و هم در تلویزیون آن طرف‌روهنمایی شد و تلویزیون سوریه خیلی کار را پیش کرد و پوشش داد که تا به حال در جهان اسلام چنین اتفاقی نیفتاده بود. الان هم بعد از تولید این قطعات، تصمیم گرفتیم به سراغ تولید آثار موسیقی در فضای اجتماعی بروم.

گفت‌وگو با محسن توسلی، خواننده‌ای که برای روز دختر خواند

برای دغدغه‌ها و اعتقادم ترانه می‌خوانم

ان، نگاه جوانان W W W. روزنامه فرهیختگان

غالباً موسیقی‌ها در موضوعات عاشقانه هستند و معمولاً کارهای اجتماعی در این حوزه کم داریم و البته مشکلات خاص خودش را هم دارد. چه شد که تصمیم گرفتید در فضای اجتماعی ترانه بخوانید؟

دوستان من هم که کار موسیقی انجام می‌دهند و در همین فضای عاشقانه کار می‌کنند به لحاظ مارکتینگ و آن حساب دودوتا چهارتابی که می‌کنند با همین کارها می‌توانند درآمد کسب کنند، کنسرت بگذارند و با درآمدهای زیای که دارند، آلبوم منتشر کنند. ولی وقتی برای فضایی دغدغه‌داشته باشید اوضاع فرق می‌کند. من از کودکی جزء بچه‌های هیات و مس‌جد بودم و دوستانی هم داشتم که فرزندان شهدا و جانبازان بوده‌اند. کم و کسری‌ای که به خاطر نبود پدر در زندگی دوستانم ایجاد شده بود را می‌دیدم. مشکلات مردم ایران را از نزدیک می‌بینم. وقتی دیدم در جایگاهی قرار گرفتم که یک تریبون دارم و می‌توانم حرفی بزنم که شاید خیلی‌ها صدایم را بشنوند، احساس مسئولیت کردم که باید در این جایگاه از بچه‌هایی بگویم که شاید حرف‌شان شنیده نمی‌شود. تولیداتی که برای دفاع مقدس داشتم سعی کردم کلیشه‌ای نباشند. درباره شهدا کار زیاد ساخته‌شده است اما برای همسران شهید کاری ساخته نشده است. من برای همسران شهدا و جانبازان کار تولید کرده‌ام. یک کاری ساختم در جواب آهنگ «لیلا یی مازای فلاچی که شعر این کار را هم حامد عسگری سرود:

تمام دلشوره‌ها مو ورق زد شمیم و عطر نامه آخرت لایلا بمیره که نبود کبریا تا ببینه خورش اوردن سرت این کاریک عاشقانه برای همسر شهید بود. وقتی می‌بینم این کارها را در مناسبت‌هایی که همسران شهدا و جانبازان هستند می‌خوانم و خانواده‌ها کلی گریه می‌کنند و بعد با خورده‌ش خیلی خوب است و همسران آنها تشکر می‌کنند که به یادشان بودیم،



۲۴ تیرماه فینال رقابت‌های جام جهانی فوتبال بود و حداقل چند میلیون نفر پای تلویزیون به تماشای آخرین رقابت بین کرواسی و فرانسه نشستند و حال شاید برایتان جالب باشد در همان شب، مرتضی میرباقری معاون سیمیا، علی فروغی مدیر شبکه سه و حسین آقامانی مدیر گروه ورزش این شبکه به پشت‌صحنه این برنامه رفتند تا در فینال رقابت‌ها حضور داشته باشند. «مهر» در مورد پشت‌صحنه این برنامه پربیننده نوشته است: «عادل فردوسی‌پور اهل کرمان است و ماجرای علاقه‌اش به «قوتو» ی کرمان را همه می‌دانند و چندین بار هم در استودیو میرباقری حین این گپ زن‌ها به شوخی از این قوتوها می‌پرسد. این قوتوها آن قدر در استودیو در دسترس است که عادل همانجا می‌گوید برای میرباقری قوتو بیاورند و بعد روند قوتو خوردن را با اشتیاق تشریح می‌کند؛ اینکه ابتدا باید مقداری از پودر قوتو را در دستانش بریزد و بعد یک باره مشتش را در دهانش خالی کند. صحنه تست قوتو با خنده اطرافیان همراه است، میرباقری هم به شوخی دیگران را برای تست قوتو شاهد می‌گیرد و بعد در نهایت قوتوی معروف را امتحان می‌کند. تقریباً همه می‌دانند این قوتوها چه طعمی دارند و هرازگاهی حین ضبط به سراغ بسته قوتو می‌روند و پانکی به آن می‌زنند.»

«حق السکوت در قبال مزاحمت منافقین



«فارس» نوشت: «تنها چند ماه تا برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت باقی مانده است و مسئولان برای حضور در این عرصه نمایشگاهی آماده می‌شوند.» یکی از نکاتی که طی چند سال گذشته برای نشر ایران و ناشران حاضر در این نمایشگاه آزاردهنده بوده، حضور عناصر منافقین در روزهای سوم و چهارم این نمایشگاه در غرفه ملی جمهوری اسلامی ایران است. حضور این افراد در این دو روز اغلب مانع از فعالیت ناشران شده و به نحوی غرفه ایران را به تعطیلی می‌کشاند. ناگفته نماند سال گذشته تعدادی از ناشران در بیانیه خود عنوان داشتند: «در صورت رفع نشدن این مزاحمت که همواره مورد اعتراض جمهوری اسلامی ایران بوده است، جامعه مستقل نشر ایران سال آینده از حضور در نمایشگاه کتاب فرانکفورت صرف‌نظر خواهد کرد.» اما نکته جالب اینجاست که وقتی مزاحمت‌های منافقین، آن هم در نمایشگاهی کاملاً فرهنگی مشهود است، مسئولان نمایشگاه کتاب فرانکفورت کوچک‌ترین برخوردی را جایز نمی‌دانند بلکه تنها به ارائه حق السکوت اکتفا کرده‌اند. آنها اعلام داشتند: «تخفیفی معادل ۵۰۰۰ یورو افزون بر تخفیف مرسوم در محاسبه هزینه غرفه ملی ایران برای سال ۲۰۱۸ لحاظ‌شود. علاوه‌بر این مقرر شده امتیازات دیگری هم در کارت ورود و سایر تسهیلات از اختیار غرفه ایران قرار گیرد.»

قابل توجه مودیان محترم مالیاتی

اشخاص حقوقی و صاحبان درآمد املاک جاری

مهلت ارائه الکترونیکی اظهارنامه مالیاتی عملکرد سال ۹۶ و پرداخت مالیات مربوطه از طریق سامانه www.tax.gov.ir حداکثر تا پایان تیرماه سال جاری می‌باشد.

روابط عمومی سازمان امور مالیاتی کشور

۳۵۰۱۹- ۰۲۱ ستاد خبری دفتر مرکزی حراست



«نفس» که عاشقانه روابط پدر و دختری است که آن هم یک کار خیلی خوب و اثرگذاری شد. خودتان می‌دانید پدرها ارتباط خوبی با دختران‌شان دارند اما هنوز در گوشه و کنار کشورمان کسانی هستند که هنوز عقاید قدیمی دارند و شاید روی دختر حس مثبتی نداشته باشند. من سعی کردم با تولید این کار این حس را ترغیب کنم. درست است که دیگر مثل قدیم نیست و آقایان با همسران‌شان خوب برخورد می‌کنند اما باز هم شاهد برخوردهای نامناسبی در فضای خانواده هستیم. خیلی دوست دارم کارهایی که می‌سازم همراه با ویدئو باشد که تلنگری نیز به سوزه‌های مدنظرم بزند.

چقدر از فضای مجازی برای انتقال حرف‌های‌تان استفاده می‌کنید؟ این را برای این می‌پرسم چون الان بحث فضای مجازی موضوع مهمی است و نادیده گرفتنش، حذف بخش مهمی از مخاطبان موسیقی است.

امسال تصمیم گرفتم که این بحث ویدئو کلیپ و انتشار در فضای مجازی را جدی‌تر بگیرم چون بخش عمده‌ای از مضامین شعر و آهنگ را تصاویر ویدئویی جلو می‌برد. هماهنگی‌هایی انجام‌دادیم که این کلیپ‌ها از تلویزیون پخش بشود. البته در صفحه اینستاگرام خودم هم این آهنگ‌رامنتشر می‌کنم تا دوستانی که دل‌شان می‌خواهد از این فضا استفاده کنند. نمی‌توانیم بگوییم فضای مجازی تأثیرگذار نیست؛ چراکه به شدت هم تأثیرگذار است و باعث دیده شدن کارها می‌شود. خودم زیاد این کار را انجام نداده‌ام اما باید در این فضا فعالیت کنم. در کلام آخر می‌خواهم بگویم کسانی که حرف‌های سن را می‌خوانند و در این فضا فعالیت می‌کنند از آثار موسیقی‌ای که با دغدغه‌های اجتماعی تولید می‌شوند، بیشتر حمایت کنند.

«ورود پیکر ۶۰ شهید دفاع مقدس به تهران



سرهنگ ابراهیم رنگین، رئیس ستاد معراج شهدای مرکز با اشاره به ورود پیکرهای مطهر شهدای تازه تخص‌شده دوران دفاع مقدس گفت: «پیکر مطهر ۶۰ شهید تازه تفحص شده که اخیراً از مرز خسروی وارد کشور شده‌اند، صبح سه‌شنبه، ۲۶ تیرماه ۹۷ «پیکر مطهر این شهدا بعد از برگزاری مراسم وداع در شهرستان‌های قصر شیرین و سرپل ذهاب راهی تهران شدند تا عملیات‌های تخصصی شناسایی هویت پیکرها در معراج شهدای تهران صورت‌بگیرد. «سرهنگ رنگین با اشاره به برنامه زیارت عمومی پیکرهای مطهر شهدا در تهران گفت: «روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه، ۲۶ و ۲۷ تیرماه ۹۷ همزمان با ایام مبارک دهه کرامت، عموم مردم تهران می‌توانند برای زیارت پیکرهای مطهر این شهدا از نماز ظهر تا اذان مغرب به معراج شهدا مراجعه کرده و در حسینیه شهدا با این شهدای تازه تفحص‌شده تجدید میثاق کنند.» رئیس ستاد معراج شهدای مرکز در ادامه تصریح کرد: «بعد از برنامه زیارت مردمی شهدا در معراج شهدای تهران، عملیات شناسایی پیکرهای مطهر آغاز خواهد شد و فرآیند نمونه‌گیری، آزمایش DNA، مراحل ژنتیکی و کارهای کارشناسی در این زمینه پیگیری می‌شود. مشخصات شناسایی شهدای این قوتوها بعد از مراحل کارشناسی شناسایی می‌شوند، در پایان عملیات شناسایی اعلام خواهد شد.



سازمان امور مالیاتی کشور